



دریافت صفحه با کد QR



نقش معرفت به امام زمان در تعالی اخلاقی منتظران و زمینه‌سازی ظهور

رضا نوروزی

۲ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۸:۲۴

چکیده

محروم بودن شیعیان از بهره‌مندی مستقیم از پرتوهای نورانی و هدایت‌گر امام زمان در زمان غیبت، حرکت در مسیر هدایت را برای آنان دشوار می‌سازد و زمینه حیرت، غفلت و گمراهی را فراهم می‌آورد؛ اما منتظران امام زمان در زمان غیبت، می‌توانند با استمداد از مجموعه باورهای عمیق درباره امامت، خود را از غفلت‌ها و انحراف‌های زمانه غیبت مصون سازند و زمینه تکامل معنوی و اخلاقی خود را فراهم کنند و بدین وسیله زمینه‌ساز ظهور امام خود شوند. از این‌رو از جمله بهترین راهکارها برای سوق دادن منتظران به سمت کمالات اخلاقی و مقامات معنوی، تعمیق و بارورسازی باورهایی است که زمینه‌ساز سیر انسان منتظر به سمت فضایل اخلاقی و معنوی به شمار می‌آید.

در این نوشتار، باورهای زمینه‌ساز برای اخلاقی شدن منتظران مورد بررسی قرار گرفته و نقش آن‌ها در رسیدن به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی تبیین شده است. از این‌رو باورهایی همچون معرفت به وجود امام زمان، اعتقاد به ظهور آن حضرت، توجه به علم فراگیر امام و محبت و ارادت به ایشان را بررسی می‌کنیم و نقش این باورها در تربیت نفوس و تزکیه روح منتظران را تبیین می‌نماییم.

مقدمه

دوران غیبت امام زمان، دورانی ویژه در تاریخ تشیع به شمار می‌آید و شیعیان در این دوره، در شرایطی خاص قرار گرفته‌اند؛ محرومیت آنان از استفاده مستقیم از پرتوهای نورانی و هدایت‌گر امام خود، سبب ایجاد سختی‌هایی در مسیر هدایتشان می‌شود و رسیدن به نقطه کمال را برای آنان با مشکلاتی همراه می‌سازد. در زمان حضور امامان معصوم شیعیان راستین با دسترسی مستقیم به آنان، افزون بر دریافت هدایت‌های مستمرشان، خود را از هر نوع انحراف و غفلت مصون می‌سازند و به کوره‌راه‌های ضلالت و سرگردانی و بیابان‌های انحراف و کژپی دچار نمی‌شوند و مسیر خود را با نور هدایت امام به سلامت تا رسیدن به مقصد پی می‌گیرند. اما در زمان غیبت - به‌ویژه در غیبت کبری - شرایطی متفاوت برای شیعیان ایجاد شده است؛ شرایطی که می‌تواند موجب غفلت آنان از امام زمانشان شود و زمینه‌ساز ورود به بیابان‌های حیرت باشد؛ چنان‌که در طول تاریخ غیبت کبرا، شیعه شاهد چنین انحرافات

در برخی از شیعیان بوده است، چه انحرافات اعتقادی و کلامی و چه انحرافات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. از سوی دیگر، آماده‌سازی زمینه ظهور امام غایب نیز از وظایف اصلی منتظران است. از این‌رو تلاش فردی و اجتماعی برای زمینه‌سازی حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی، از اصول اساسی انتظار به شمار می‌آید و لذا آن‌چه در زمان غیبت برای منتظران حیاتی محسوب می‌شود، از یک‌سو از بین بردن زمینه غفلت‌ها و انحرافات ناشی از دسترسی نداشتن ظاهری به امام معصوم است و از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت و حاکمیت ارزش‌ها در حیطه زندگی فردی و اجتماعی منتظران به شمار می‌رود.

در تغییر این شرایط غفلت‌زا و ایجاد زمینه مناسب برای ظهور حضرت، چند امر نقش اساسی دارد:

۱. عنایات ویژه امام غایب به شیعیان در زمان غیبت؛

۲. نقش عالمان دینی در هدایت شیعیان به عنوان نمایان امام زمان؛

۳. معرفت و توجه شیعیان به امام عصر.

پرداختن به هر یک از این عوامل نیازمند نوشتاری مستقل است؛ اما آن‌چه در این نوشتار، به طور خاص مورد توجه قرار دارد، سومین بخش از عوامل یادشده است. از این‌رو به بررسی آن بخش از باورهای منتظران در مسئله امامت می‌پردازیم که اعتقاد به آن در زمان غیبت، در زمینه اخلاقی شدن جامعه منتظران نقش اساسی دارد و فرد منتظر و جامعه منتظران را از انحرافات اخلاقی و غفلت‌های معنوی مصون می‌سازد و آنان را در سلوک مسیر معنوی دستگیری می‌کند و در نتیجه هم غفلت و انحراف را از آن‌ها دور می‌سازد و هم جامعه منتظر را آماده ظهور امام می‌سازد.

در مجموعه اعتقادات یک منتظر، باورهایی را که در سوق دادن منتظران به سوی مکارم اخلاقی و ملکات نفسانی بسیار مؤثر است و با زنده کردن آن‌ها می‌توان غفلت منتظران در تخلق به اخلاق الهی را از بین برد، در چند محور بررسی می‌کنیم:

۱. اعتقاد به وجود امام

از جمله تفاوت‌های اساسی بین دیدگاه شیعیان با اهل سنت در مسئله مهدویت، وجود حضرت مهدی است. بر اساس نگاه اکثر علمای اهل سنت، حضرت مهدی در آینده متولد می‌شود و با قیام خود، جهان را از عدل و داد پر می‌سازد (برای بررسی دیدگاه‌های علمای اهل سنت، نک: فقیه ایمانی، ۱۴۰۲)؛ اما در دیدگاه شیعیان، حضرت مهدی همان فرزند امام حسن عسکری است. لذا متولد شده و در قید حیات به سر می‌برد، اما بر اساس مصالح و حکمت‌هایی در پس پرده غیبت حضور دارد و در آینده ظهور می‌کند و با قیام خود، به ظلم گسترده جهانی خاتمه می‌دهد. تولد حضرت در دیدگاه شیعه، با ادله متقن اثبات شده که پرداختن به آن از عهده این نوشتار بیرون است.

بر اساس دیدگاه اهل سنت، باید مسئله مهدویت را از وقایع آخر الزمان به شمار آورد که آغاز آن در آن زمانه خواهد بود؛ اما در دیدگاه شیعه، از زمان اتمام امامت امام حسن عسکری امامت بر عهده امام موجود موعود خواهد بود. از این‌رو اگرچه غیبت امام، پرده‌ای میان شیعیان و ایشان ایجاد کرده است، اما اعتقاد به وجود امام، موجب ایجاد علقه باطنی میان شیعیان و امامشان می‌شود.

تأثیر اعتقاد به وجود حضرت مهدی در اخلاق منتظران

نکته مهم در این بحث، این است که اعتقاد به تولد و وجود حضرت مهدی یک معرفت و شناخت صرف نیست؛ بدین

معنا که انسان معتقد به حیات ایشان، تنها به یک معرفت عقلی اکتفا نمی‌کند، بلکه فراتر از این شناخت، ایمان و گرایش به آن نیز خواهد داشت؛ زیرا بین درک و شناخت یک امر با ایمان به آن، تفاوتی عمیق وجود دارد. اگر مطلبی صرفاً مورد پذیرش عقل و فکر انسان قرار گیرد، معرفت و شناخت حاصل شده است، اما اگر از این مرحله فراتر رود و این معرفت در قلب انسان نیز رسوخ کند و گرایش‌های انسان را نیز با خود همسو سازد، ایمان حاصل می‌شود. شهید مطهری می‌گوید:

ایمان یعنی اعتقاد و گرایش، ایمان یعنی مجذوب شدن به یک فکر و پذیرفتن یک فکر. مجذوب شدن به یک فکر دو رکن دارد: یک رکن جنبه علمی مطلب است که فکر و عقل انسان بپذیرد؛ یک رکن دیگر، جنبه احساساتی آن است که دل انسان گرایش داشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۲۴۷)

درباره ایمان به حضرت مهدی نیز فراتر از یک شناخت، نوعی باور و گرایش به این حقیقت در وجود منتظران شکل می‌گیرد. از این‌رو در جریان «مهدی‌باوری» در مرحله نخست این حقیقت، با ساحت ادراکی انسان ارتباط برقرار می‌سازد. لذا انسان با آن حقیقت «عقد العقل» برقرار می‌کند. نتیجه این مرحله، ایجاد «بینش» برای انسان است؛ اما در مرحله عمیق‌تر، این حقیقت در ساحت عاطفی انسان نفوذ می‌کند و آن را نیز همراه خود می‌سازد. از این‌رو به برقراری «عقد القلب» می‌انجامد که با شکل‌گیری عقدالقلب، «گرایش» به آن حقیقت در نهاد انسان صورت می‌بندد. نتیجه حاصل از این دو مرحله، خود را تحت عنوان ایمان به آن حقیقت بروز می‌دهد. لذا ایمان به یک حقیقت و از آن جمله ایمان به وجود حضرت مهدی گرایش بنیادین و ژرف و متعالی است که بر پایه یک بینش استوار شده است (هاشمی‌العمیدی، ۱۳۸۶: ۲۶۹).

با این توضیحات روشن می‌شود که ایمان به وجود حضرت مهدی زمینه‌ساز همراهی و همسویی با حضرت را در منتظران به وجود می‌آورد. منتظری که به حضرت اعتقاد دارد، نه‌تنها اندیشه خود را با معرفت او آزرین کرده است، بلکه با پیوند عاطفی با مولای خود، قلب خود را نیز به او سپرده است و مولایش الگوی رفتاری و اخلاقی او خواهد بود. از این‌رو، هرگونه ردیله اخلاقی را در تضاد با این اعتقاد قلبی می‌داند و در رفع و دفع آن می‌کوشد. بسیاری از توصیه‌هایی که توسط معصومین به منتظران حضرت مهدی شده است و بسیاری از وظایفی که تحت عنوان وظایف منتظران در زمان غیبت مورد تأکید قرار گرفته، به نوعی در راستای تقویت رابطه روحی منتظران با مولای خویش است.

۲. اعتقاد به ظهور

منتظران امام زمان کسانی هستند که انتظار ظهور حضرت را می‌کشند. از این‌رو در اندیشه آنان، ظهور حتمی امام عصر و انتها یافتن غیبت، یکی از اندیشه‌های اساسی و بنیادی به شمار می‌آید که در کتب روایی شیعه و منابع اهل سنت در این‌باره روایات بسیاری آمده است. روایات فریقین بر قطعیت قیام حضرت مهدی تأکید فراوان دارد، تا جایی که تأکید می‌کند قیامت فرا نخواهد رسید، مگر این‌که ظهور تحقق یابد و حتی اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت را برمی‌انگیزد تا زمین را از قسط و عدل پر سازد، آن‌چنان که از ظلم و جور پر شده باشد (قزوینی، ۱۴۱۹: ج ۳، ۲۲۴، ح ۲۷۷۹؛ سجستانی، ۱۴۲۲: ج ۴، ۱۴۱، ح ۴۲۸۲؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۸: ۱۴ و ۱۶). لسان این روایات به گونه‌ای است که اراده حتمی الهی را برای ظهور حضرت بیان می‌کند و هرگونه تردید را درباره آن نفی می‌سازد.

نقش سازنده انتظار در اخلاق منتظران

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی از جمله اعتقادات زمینه‌ساز برای اخلاقی کردن فرد و جامعه منتظران به شمار می‌آید. انتظار منجی در زمان غیبت، منتظران را به سمت تعالی اخلاقی و کمال انسانی سوق می‌دهد و در اصلاح فرد و جامعه نقشی سازنده ایفا می‌کند. در بررسی نقش سازنده انتظار سه محور قابل توجه است:

الف) تلاش برای دستیابی به صفات یاران حضرت

کسی که در انتظار ظهور حضرت مهدی است و به معنای واقعی کلمه، انتظار آن حضرت را می‌کشد و برای ظهور ایشان لحظه‌شماری می‌کند، بی‌گمان برای ایفای نقش در زمان ظهور، تلاشی بی‌وقفه خواهد داشت. از این‌رو در جنبه اخلاقی، با امیدی وافر و با همتی والا به سمت دستیابی به صفات یاران آن حضرت حرکت می‌کند. منتظرانی که در دعاها و مناجات‌های خود همواره از خداوند می‌خواهند در زمره یاوران حضرت مهدی قرار گیرند، برای برآورده شدن این آرزو، تلاش خواهند کرد. بر اساس روایات، یکی از دعا‌های همیشگی منتظران در مناجات‌ها و زیارت‌های خود، دعا برای توفیق همراهی با حضرت است که با تعبیر گوناگونی وارد شده است:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالدَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَمْرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَيَّ إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ...»؛ (کفعمی، ۱۴۱۸: ۸۲)

خداوندا، مرا از یاوران و هواداران و مدافعان حضرت مهدی و از شتابندگان در انجام خواسته‌های او و اطاعت کنندگان از اوامر و نواهی او قرار بده و من را از حامیان از او و پیشی‌گیرندگان به سوی خواسته‌های او و شهیدان در حضور او مقرر فرما!

بی‌گمان کسی که بخواهد از یاوران امام عصر قرار گیرد و در زمره همراهان ایشان به دفاع از آن حضرت بپردازد و مطیع امر و نهی ایشان شود، باید ویژگی‌های درخور توجهی در خود ایجاد کند که در یک جمله، دوری از همه رذایل و دستیابی به همه فضایل از اوصاف چنین فردی خواهد بود:

من سرّه ان یكون من اصحاب القائم، فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛ (کوفی، ۱۴۲۴: ۱۴۷؛ نعمانی، ۱۳۹۵: ۲۰۰)

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، باید منتظر باشد و در حالی که منتظر است با ورع و پرهیزکاری عمل کند و بر اساس محاسن اخلاقی رفتار کند.

انسان منتظر، از یک طرف موظف است هر روز و شب برای همراهی با حضرت و قرار گرفتن در زمره یاران ایشان دعا کند و از سوی دیگر، برای استجابات این دعا باید همواره در کسب صفات نیکوی اخلاقی بکوشد؛ چرا که یاوران حضرت در روایات، انسان‌هایی وارسته و دین‌دار معرفی شده‌اند که استقامت و پایداری آنان در راه دین، وصف‌ناشدنی است و به تعبیر نبی اکرم استقامت آنان در دین‌داری، شدیدتر از استقامت انسانی است که آتشی سوزان در کف دست دارد. از این‌روست که انتظار در معنای مثبت و واقعی خود، از بهترین عوامل برای سیر منتظران به سمت کمالات اخلاقی به شمار می‌رود.

ب) آمادگی برای ظهور ناگهانی

منتظران ظهور حضرت مهدی همواره در انتظار امری دفعی هستند؛ امری که به دلیل نامعلوم بودن زمانش، همیشه خود را در آستانه آن می‌بینند. از این‌رو ناگهانی بودن امر ظهور، منتظران را به سمت محاسن اخلاقی سوق می‌دهد

و از رذایل باز می‌دارد.

امام مهدی شیعیان را به ناگهانی بودن امر فرج هشدار می‌دهد و از آنان می‌خواهد که در حالت غفلت نباشند و خود را با محاسن اخلاقی و رفتارهای معنوی به حضرت نزدیک سازند و با دوری از رذایل و امور ناپسند، زمینه دوری خود از ایشان را فراهم نسازند تا مبدا به طور ناگهانی با ظهور مواجه شوند و گرفتار خشم و کیفر حضرت گردند:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ»؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۸)

پس هر کدام از شما باید هر آن چه را که موجب دوستی ما می‌شود انجام دهد و از هر آن چه موجب ناخشنودی و خشم ما می‌شود، دوری گزیند؛ چرا که امر ظهور ما یک‌باره و ناگهانی خواهد بود و در آن زمان، توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناهان، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌دهد.

این حقیقت توسط امامان معصوم در تفسیر برخی از آیات قرآن کریم نیز آمده است:

«يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنًا مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»؛ (انعام: ۱۵۸)

روزی که برخی از نشانه‌های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده است یا همراه ایمان خود، کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو شما منتظر باشید و ما نیز منتظر خواهیم بود.

نشانه‌هایی که خداوند در این آیه وعده آمدنشان را داده، در روایاتی متعدد به ظهور حضرت مهدی تفسیر شده است (بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۵۰۱؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰).

این نقش انتظار ظهور را می‌توان با انتظار مرگ یا امر قیامت مقایسه کرد که فردی که هر لحظه به یاد مرگ و قیامت است و توجه به آن را در زندگی خود زنده کرده، برای کوچ کردن از دنیا آمادگی دائمی پیدا می‌کند و هر امر ناپسند را کنار می‌نهد و از انجام امور پسندیده کوتاهی نمی‌ورزد. بر اساس همین همانندی امر ظهور با امر قیامت است که در روایات _ از جمله در روایت پیشین _ تأکید می‌شود که همان‌گونه که با رسیدن مرگ یا قیامت راه پشیمانی و توبه مسدود می‌شود، با رسیدن امر ظهور، کسانی که خود را آماده آن نکرده‌اند، از برکات آن بی‌بهره‌اند.

(ج) تلاش برای زمینه‌سازی ظهور

در دل حقیقت انتظار، ناراضی بودن نسبت به وضع موجود و امیدواری به آینده‌ای با وضع مطلوب نهفته است کسی که نسبت به شرایطی که در آن به سر می‌برد، هیچ احساس ناخوشایندی ندارد و آینده روشن و مطلوبی را پیش روی خود نمی‌بیند،

منتظر محسوب نمی‌شود. از این‌رو نخستین شرط انتظار، معرفت و توجه به این حقیقت است که وضع موجود جهان و شرایط موجود حیات انسانی، با عظمت وجودی انسان، شأن

او و هدف از خلقت او ناسازگار است و در مقابل آن چه بعد از ظهور و در زمان حکومت حضرت مهدی رخ می‌دهد، ظهور واقعی حیات طیب خواهد بود (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۷۲ - ۲۷۳).

نتیجه دو رکن اساسی بالا در منتظران، تلاش فراگیر فردی و اجتماعی برای تحقق ظهور و حاکمیت حضرت بر عالم خواهد بود. بنابراین حقیقت انتظار، خود را در تلاش فردی و اجتماعی برای زمینه‌سازی حاکمیت ارزش‌های موجود در حکومت حضرت مهدی نشان می‌دهد. از این‌رو حقیقت انتظار، فرد و اجتماع را به سمت فضایل و کمالات

اخلاقی سوق می‌دهد و از رذایل اخلاقی باز می‌دارد.

روایاتی که در بیان وظایف منتظران در زمانه غیبت وارد شده است نیز به خوبی بر نقش سازنده انتظار در سیر معنوی منتظران تأکید دارند. این روایات در چند محور قابل بررسی هستند؛ گروهی از روایات، شیعیان را از گناهان و رذایل در زمان غیبت نهی می‌کند. از این رو به صراحت و وظیفه منتظر را تزکیه نفس می‌داند. در توقیع شریف حضرت صاحب الزمان به شیخ مفید، همه گناهان و رذایل ناپسند از دیدگاه معصومین که توسط شیعیان انجام می‌شود، مایه دوری آن‌ها از امام زمانشان معرفی می‌شود و در نتیجه پرده غیبت را محکم‌تر و زمان آن را طولانی‌تر می‌سازد:

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛ (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۹)

هیچ چیز ما را از ایشان (شیعیان) محبوس نمی‌دارد جز اخباری که از آنان به ما می‌رسد و ما را مکروه و ناراحت می‌سازد و از ایشان انتظار نداریم.

بر اساس این روایات، دوری از همه آن‌چه معصومان از آن ناخشنود هستند، از وظایف یک منتظر به شمار می‌آید. آیا می‌توان ادعای انتظار حضرت را داشت، اما به سمت تزکیه نفس و تقوای الهی و دوری از گناهان حرکت نکرد و با ارتکاب گناه و ظلم و... پرده غیبت را ضخیم‌تر ساخت؟

گروه دیگری از روایات نیز که بر دعا برای فرج تأکید می‌ورزند و آن را از وظایف منتظران قلمداد می‌کنند، در باطن خود بر تهذیب و تزکیه اخلاقی منتظران دلالت دارند؛ چرا که دعا برای ظهور حضرت دعا برای ظهور همه فضایل و نیکی‌هاست و دعا برای ریشه‌کن شدن همه ظلم‌ها و بدی‌هاست. کسی که شبانه‌روز برای ظهور چنین حقیقتی دعا می‌کند، چگونه می‌تواند در راستای استجاب دعا خود بی‌توجه باشد؟ فردی که در کسب فضایل اخلاقی تلاش نمی‌کند و در دوری از رذایل کوشا نیست، بلکه حتی گاهی از فضایل بیزار و بر رذایل راغب است، چگونه می‌تواند انتظار واقعی برای ظهور فضایل و رفع رذایل داشته باشد؟

از سوی دیگر نیز آن گروه از روایاتی که منتظران را موظف به کسب آمادگی برای ظهور می‌سازد، مسلماً آنان را موظف به آمادگی روحی و معنوی نیز می‌کند؛ چرا که ظهور حضرت حجت فراتر از آمادگی ظاهری، نیازمند آمادگی روحی و معنوی نیز هست و جهاد اصغر آن زمان، نیازمند پشتوانه جهاد اکبر است. از این رو روایاتی که امر می‌کند برای خروج حضرت، ولو به اندازه یک تیر نیز که شده، آمادگی داشته باشید، بر آمادگی معنوی نیز دلالت می‌کند.

با این توضیحات هر نوع برداشتی که وظیفه منتظران را در دعا برای تعجیل فرج، منحصر سازد یا مبارزه با انحرافات و مفاسد در زمان غیبت را مورد غفلت قرار دهد و یا حتی فراتر از این، زمینه‌سازی ظهور را در دامن زدن به ظلم و ستم در جهان بداند، هیچ اعتباری نخواهد داشت و این نوع برداشت از مفهوم انتظار برداشتی منفی و مغایر با روح تعالیم دینی و روایات انتظار به شمار می‌آید.

۳. اعتقاد به علم فراگیر امام

یکی از اعتقادات عمیق شیعیان درباره ائمه اطهار اعتقاد به علم فراگیر امام است. بر اساس این باور، امام معصوم به عنوان خلیفه الله، عالم به همه عوالم هستی است. البته اگرچه در اثبات علم امام آیات و روایات فراوانی وجود دارد، اما از آن جایی که این نوشتار عهده‌دار اثبات علم امام نیست، تنها به یک آیه اشاره می‌شود (برای بررسی آیات و روایات مربوط به علم امام، نک: حیدری، ۱۴۲۹):

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛ (رعد: ۴۳)

بگو: برای شهادت میان من و شما خداوند و آن کسی که علم کتاب دارد کفایت می‌کند.

بسیاری از روایات در تفسیر این آیه شریفه، منظور از علم کتاب را امیر المؤمنین علی معرفی می‌کنند (نک: بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۲۷۲ - ۲۷۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۲۲ - ۵۲۳). از این رو در برخی روایات، با اشاره به کسی که به دلیل داشتن علم کتاب، تخت بلقیس را در یک چشم بر هم زدن برای حضرت سلیمان آورد، علم او را قطره‌ای از دریا معرفی می‌کند و در مقابل ائمه را مخزن علم کتاب می‌داند (قمی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۶۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۱۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵۷).

الف) امام، شاهد اعمال دیگران

اگرچه علم امام معصوم به همه عوالم، شامل علم او به اعمال و رفتارها، بلکه نیت‌های انسان‌ها نیز می‌شود، اما افزون بر علم گسترده امام معصوم، در متون دینی شاهد روایاتی هستیم که پیامبر اکرم و ائمه اطهار را شاهد بر اعمال معرفی می‌کند که در آیات قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره شده است:

«وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵)

بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد.

این آیه شریفه، رسول خدا و مؤمنان را شاهد بر اعمال معرفی می‌کند. در مکتب اهل بیت، روایات فراوانی از معصومین رسیده است که مراد از «مؤمنان» در این

آیه، ائمه اطهار هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۶۲) که به روایات «عرض اعمال» معروفاند و این روایات، فراوانند. علامه مجلسی ۷۵ روایت در این باره نقل کرده

است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ۱۰۷ - ۱۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۳، ۳۳۳ - ۳۵۳). لذا با توجه به این روایات، پیامبر اکرم و ائمه اطهار شاهد اعمال انسان‌ها هستند:

تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلِّ صَبَاحٍ أَبْرَارُهَا وَفَجَارُهَا فَاحْذَرُوهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱۹)

تمام اعمال مردم هر روز صبح به پیامبر اکرم عرضه می‌شود؛ اعمال نیکان و بدان. بنابراین مراقب باشید و این است مراد سخن خداوند عزوجل که فرمود: «و بگو: [هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست».

در تفسیر این آیه، مسلم است که نمی‌توان آن را اشاره به مسئله‌ای عادی دانست؛ بدین معنا که انسان هر عملی انجام می‌دهد، خواه ناخواه ظاهر می‌شود و پیامبر اکرم و همه مؤمنان از طرق عادی از آن آگاه می‌شوند. دلیل بی اعتبار بودن این تفسیر آن است که شواهد در خود آیه وجود دارد که مانع این تفسیر سطحی می‌شود؛ چرا که اولاً آیه با اطلاق خود، همه اعمال را شامل می‌شود، چه آن عمل از طریق عادی ظاهر شود یا نه. از این رو آگاهی پیامبر و مؤمنان از اعمال مردم باید از طریق غیرعادی صورت گیرد. ثانیاً تکیه بر مؤمنان در صورتی صحیح است که منظور، همه اعمال، آن هم از طریق غیرعادی باشد؛ وگرنه اگر مراد فقط اعمال آشکار باشد، هم مؤمنان و هم

غیرمؤمنان آن را می‌بینند و لذا تأکید بر این که مؤمنان می‌بینند، دال بر این است که از طریق غیرعادی از آن اطلاع می‌یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۶۵).

این رؤیت اعمال مربوط به دنیاست نه روز قیامت. از این رو مراد آیه، اطلاع مؤمنان در روز قیامت نیست؛ چرا که ادامه آیه _ «سَتَرَدُونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ» _ بر این دلالت دارد که رؤیت رسول اکرم و مؤمنان، پیش از بعث و قیامت است و مربوط به دنیاست (طباطبایی، ۱۴۲۴: ج ۹، ۳۷۹).

نکته درخور توجه در باب عرض اعمال این است که بر اساس روایات، عرضه اعمال در اولین مرحله به امام معصوم هر زمان صورت می‌گیرد. بنابراین در زمان غیبت نیز عرضه اعمال به حضرت مهدی خواهد بود.

(ب) تأثیر اعتقاد به علم امام در اخلاق منتظران

بی‌گمان توجه به این که امام معصوم به اذن الهی به همه زوایای وجودی ما علم دارد، سبب می‌شود از زندگی جاهلی رها شویم و به اندازه درجه معرفتی که به امام پیدا کرده‌ایم به حیات طیب رهنمون گردیم (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲ و ۴۴). اما برای تبیین چگونگی و گستره اثرگذاری توجه به علم امام، به بیان مقدماتی نیازمندیم.

برای تأمین سعادت انسان _ چه صرفاً سعادت دنیوی او یا فراتر از آن سعادت اخروی _ جامعه انسانی نیازمند مقررات و قوانین است که هر قدر این قوانین کامل‌تر و جامع‌تر باشند،

در تأمین این سعادت موفق‌ترند. اما این قوانین و مقررات در صورتی مؤثر خواهند بود که از ضمانت اجرایی قوی و جامعی برخوردار باشند. از این رو در کنار این قوانین، برای تهدید بر تخلف یا تشویق به اطاعت، قوانین جزایی دیگری نیز پی‌ریزی می‌گردد و برای ضمانت اجرایی آن، حاکم عالم به احکام و عادل در اجرا قرار داده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۲۵).

ضمانت اجرایی در هر مجموعه از قوانین، باید متناسب با ویژگی‌های آن قوانین باشد. برای مثال، قوانین صرفاً اجتماعی، بیشتر نیازمند ضمانت اجرایی بیرونی هستند. آموزه‌های دین اسلام و قوانین آن، ویژگی‌هایی دارند که نیازمند تضمین‌های اجرایی متناسب با خود هستند که از بین این ویژگی‌ها به چند ویژگی مهم و مؤثر در بحث اشاره می‌کنیم:

یکم. جامعیت آموزه‌های دین اسلام

در یک تقسیم‌بندی، احکام ارزشی را به سه گروه تقسیم می‌کنند (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۲ به بعد):

(الف) احکام الهی و دینی که نواهی و اوامری که مستند به خدای متعال است را دربر می‌گیرد و هر دین از پیروان خود، عمل بر اساس این احکام را طلب می‌کند.

(ب) احکام اخلاقی، یعنی احکامی که عقل انسان یا فطرت آدمی آن را درک می‌کند و برای آن‌ها ارزش و اعتبار قائل می‌شود؛ مثل حسن راست‌گویی و قبح ستم به دیگران.

(ج) احکام حقوقی، یعنی احکامی که برای تأمین مصالح دنیوی انسان‌ها و ناظر به ارتباطات افراد یک جامعه با یکدیگر وضع می‌شود.

عده‌ای بر اساس این تقسیم‌بندی می‌کوشند این سه گروه احکام را کاملاً از هم تفکیک کنند و برای هر کدام حوزه خاصی در نظر گیرند. بنابر این گرایش، قلمرو احکام الهی و دینی را محدود به مناسک و شعائر مذهبی خاص می‌کنند و به شدت تلاش می‌شود حوزه دین نه‌تنها از حوزه حقوق جدا شود، بلکه انفکاک کامل دین از اخلاق را نیز

مطرح می‌سازند.

اما آن چه واقعیت دارد، این است که دین مجموعه‌ای از معارف نظری و احکام عملی است که احکام عملی آن شامل ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خود و ارتباط او با دیگران می‌شود؛ لذا اخلاق و حقوق را نیز دربر می‌گیرد. بر همین اساس در قرآن کریم و روایات معصومین مجموعه سرشاری از احکام اخلاقی و حقوقی قابل مشاهده است. آموزه‌های دین اسلام، مجموعه‌ای جامع و کامل از معارف نظری و احکام عملی است که در بخش احکام عملی، روابط چهارگانه انسان را به طور جامع و کامل پوشش می‌دهد؛ از طرفی بر ارتباط انسان با خداوند تأکید می‌ورزد و با نگاه توحیدی خود، همه ارتباطات انسان را بر محور همین ارتباط شکل می‌دهد. از این رو احکام حقوقی و اخلاقی آن نیز با بحث توحید و معاد، پیوندی محکم پیدا می‌کند و از سوی دیگر، از ارتباط انسان با خود، دیگران و عالم طبیعت هیچ چیزی را فروگذار نمی‌کند که شاهد آن، آیات و روایات مفصل و گسترده‌ای است که در هر کدام از این حوزه‌ها به چشم می‌خورد. بنابراین دین اسلام در آموزه‌های خود، همه ابعاد وجودی انسان

_ اعم از جسم و روح _ و تمام ساحت‌های حیات او _ اعم از دنیوی و اخروی _ و همه حوزه‌های زندگی او _ اعم از فردی و اجتماعی _ را در نظر گرفته است.

دوم. هدف دین، سعادت دنیوی و اخروی

از دیگر ویژگی‌های آموزه‌های دینی و در رأس آن معارف اسلامی، تأمین سعادت انسان در همه ابعاد آن است که گستردگی آموزه‌های دین، شاهد بر این مدعاست. وقتی آموزه‌های دین، حوزه فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، جسمی و روحی را دربر می‌گیرد، درمی‌یابیم که این دین جامع، در تأمین سعادت فرد و اجتماع، دنیا و آخرت، تأمین کمال جسم و روح هدفی متعالی دارد.

سوم. نقش انگیزه در ارزش افعال

از جمله مباحث مهم در ارزش اخلاقی داشتن یک امر، نیت و انگیزه‌ای است که فاعل بر اساس آن به انجام فعل می‌پردازد. در تحلیل یک فعل اخلاقی، افزون بر حسن فعلی _ که بیان‌گر خوبی خود فعل است _ به حسن فاعلی یا انگیزه و نیت خوب فاعل در انجام فعل می‌رسیم. بسیاری از مکاتب اخلاقی در بررسی ارزش فعل، توجهی به حسن فاعلی ندارند و تنها جنبه حسن فعلی آن را مورد دقت قرار می‌دهند. در فلسفه‌های غربی، به جز کانت، تقریباً بحث نیت مورد فراموشی قرار گرفته است (مدرسی، ۱۳۷۱: ۲۲۹). در مقابل، در اخلاق اسلامی نه تنها به حسن فاعلی توجه ویژه شده است، بلکه روح و جان عمل به شمار می‌آید و اساساً فعل بدون نیت و انگیزه مثبت درونی، ارزشمند محسوب نمی‌شود و اساس ارزش در کارهای اخلاقی و احکام دینی، نیت آن است. از دیدگاه اسلام، در تعیین ارزش اخلاقی، حسن فعلی به تنهایی کافی نیست، بلکه همراه آن، حسن فاعلی نیز لازم است؛ چرا که آثار افعال اخلاقی _ یعنی کمال و سعادت انسان _ بر حسن فاعلی و داشتن نیت صحیح مترتب می‌شود. بر این اساس تأکید نظام اخلاقی اسلام، بر نیت به عنوان اساس ارزش اخلاقی، تفاوتی کلی بین نظریه اخلاقی اسلام با سایر نظریه‌ها به شمار می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ الف: ج ۱، ۱۰۵-۱۰۶).

بر اساس آن چه گفته شد، اسلام به عنوان دین خاتم، کامل‌ترین و جامع‌ترین تعالیم و قوانین را برای سعادت کامل و همه‌جانبه انسان ارائه داده است. اما تنها وجود قانون کامل و جامع، سعادت انسان را تأمین نمی‌کند، بلکه ایجاد زمینه مناسب برای اجرایی شدن آن قوانین نیز ضروری است. از این رو اسلام برای این که قانون جامع و کامل آن

دارای ضمانت اجرایی کامل و جامعی باشد، از راه‌هایی گوناگون، اجرای این قوانین را ضمانت کرده است. از جمله این ضمانت‌ها، ضمانت اجرایی بیرونی است. احکام حقوقی، ضامن اجرای بیرونی دارند؛ بدین معنا که عاملی از بیرون، فرد را به انجام احکام حقوقی ملزم می‌سازد و اگر کسی قوانین حقوقی را رعایت نکرد، حاکم او را وادار به اجرای قانون می‌کند و برای متخلفان، مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد (همو، ۱۳۸۸: ج ۱، ۷۳) که قوانین جزایی و حقوقی اسلام، عهده‌دار این ضمانت اجرایی هستند. اما بی‌گمان این زمینه، برای اجرایی شدن قوانین اسلام با ویژگی‌های ذکر شده کافی نیست و نیازمند زمینه‌های دیگری است.

چهارم. ناظر بودن امام، ضامن درونی بر اجرای آموزه‌های دین

اگر چه ضمانت اجرایی بیرونی - که در احکام حقوقی مورد توجه قرار می‌گیرد - در مواردی کارا و مفید است، اما نواقص درخور توجهی دارد که بخشی از این نواقص ناظر به ناکارآمد بودن آن، حتی در خود احکام اجتماعی است. از این‌رو در موارد بسیاری زمینه اجرای احکام و قوانین را - حتی در حوزه حقوقی و احکام اجتماعی - فراهم نمی‌سازد. این نواقص عبارتند از:

۱. ضمانت اجرایی بیرونی: در مواردی مطرح است که حقی از دیگران در میان باشد (همو) و حال آن‌که بر اساس آن‌چه گفته شد، تعالیم و احکام اسلام، شامل مجموعه‌ای گسترده و جامع و ناظر به همه ارتباطات انسان است و به رابطه انسان با دیگران منحصر نمی‌شود.

۲. ضمانت اجرایی بیرونی: به نیت و انگیزه فرد توجه نمی‌کند؛ زیرا اولاً نیت و انگیزه فرد در امور حقوقی کمتر مورد توجه است و بیشتر به ظاهر عمل توجه می‌شود (همو، ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۷) و از طرفی نیز امری باطنی است، لذا از دسترس دیگران خارج است. حال آن‌که - چنان‌که گفته شد - یکی از ویژگی‌های اساسی تعالیم و احکام اسلامی، مبتنی بودن ارزش عمل بر نیت و انگیزه فرد است.

۳. ضمانت اجرایی بیرونی: مواردی را شامل می‌شود که قابلیت اثبات برای حاکم را داشته باشد. از این‌رو اگر کسی خود را به گریزگاه قانون برساند، مجرم به شمار نمی‌آید و ضمانت اجرایی بیرونی نمی‌تواند او را مؤاخذه کند. بنابراین کسی که جرم را مخفیانه انجام دهد یا به گونه‌ای مرتکب شود که قانون شامل او نشود و به تعبیری قانون را دور بزند، به راحتی از چنگ مؤاخذه رها شده است.

۴. ضمانت اجرایی بیرونی: مواردی که امری درونی است را دربر نمی‌گیرد، اگرچه در حوزه ارتباطات فرد با دیگران باشد؛ مانند سوء ظن به دیگری.

نواقص موجود در ضمانت اجرایی بیرونی سبب می‌شود برای اجرای تعالیمی همچون تعالیم اسلام با آن گستردگی و جامعیت، نیازمند زمینه‌هایی در درون افراد باشیم تا ضامن عملی شدن این قوانین گردد که توجه به ناظر بودن امام نسبت به افراد، از جمله عواملی است که موجب ایجاد انگیزه درونی در انجام تعالیم دینی - چه در حوزه حقوق اجتماعی، چه در حوزه اخلاق اسلامی و چه در حوزه احکام فقهی - می‌شود. از این‌رو اگرچه ظاهراً نظارت امام امری بیرونی برای افراد است، اما در واقع اعتقاد به علم امام و نظارت او، زمینه‌ساز ایجاد انگیزه و عاملی درونی در فرد می‌گردد.

کسی که همواره امام و مولای خویش را واقف بر افعال و احوال خود می‌داند و تمام شئون زندگی خود را در محضر ایشان محسوب می‌کند، در انجام وظایف دینی و اخلاقی خود فروگذار نخواهد کرد. در درون چنین انسانی انگیزشی

درونی ایجاد می‌شود که او را به سمت فضایل سوق می‌دهد و از رذایل باز می‌دارد.

در امام معصوم، ویژگی‌هایی وجود دارد که نظارت او را بسیار اثرگذار می‌سازد. امام معصوم از یک سو علمی لدنی و خطاناپذیر دارد و لذا هم بر ظاهر اعمال فرد و هم بر سرائر او عالم است و خطایی نیز در علم او وجود ندارد و از سوی دیگر، معصوم است و هرگونه ارزیابی او از دیگران همراه با صداقت، بی‌طرفی، امانت‌داری و... خواهد بود. از این رو توجه به ناظر بودن او نیز ویژگی‌هایی پیدا می‌کند که در سیر معنوی انسان منتظر، نقشی اساسی و تعیین کننده دارد؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. این نظارت امام، دائمی است و در هر زمان و مکان وجود دارد. از این رو انگیزشی که در منتظران ایجاد می‌کند، دائمی است.

۲. این نظارت، به روابط اجتماعی منحصر نمی‌شود، بلکه همه ساحت‌های تعالیم دینی را در همه ابعاد دربر می‌گیرد.

۳. این نظارت، به ظاهر عمل منحصر نیست، بلکه باطن و انگیزه عمل نیز مورد رؤیت امام معصوم قرار می‌گیرد. بنابراین نه تنها حسن فعلی، بلکه حسن فاعلی فرد نیز در منظر امام قرار دارد و این خود عاملی برای تأمین اخلاص در اعمال به شمار می‌آید.

۴. در علم امام، مباحثی چون قابل اثبات بودن جرم، فرار از قانون، مخفی نگه داشتن و... معنا نمی‌دهد. از این رو راه را برای هر نوع غفلت از آموزه‌های دینی مسدود می‌سازد.

با توجه به این ویژگی‌ها توجه به ناظر بودن امام معصوم، انگیزه کاملی برای سیر معنوی و کمالی فرد و جامعه ایجاد می‌کند؛ چیزی که در ضمانت‌های اجرایی حقوقی پیدا نمی‌شود. حتی فراتر از این، به فرض این که ضمانت اجرایی بیرونی بتواند افراد را به طور کامل ملزم به قانون سازد، تنها ظاهر عمل را با قانون سازگار می‌کند و حال آن که ارزش واقعی عمل _ چنان که گذشت _ در نیت آن نهفته که از دسترس خارج است. از این رو حداکثر توان آن، ایجاد نظم در زندگی اجتماعی آن هم در حیطة حیات دنیوی است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۲۶).

(ج) دیگر آثار اخلاقی توجه به علم امام

براساس آن چه گفته شد، توجه به علم امام معصوم، عاملی است که زمینه ایجاد همه فضایل را در منتظران فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، اراده منتظران را در دوری از همه رذایل اخلاقی تقویت می‌کند. اما فراتر از این اثرگذاری عام، توجه به علم امام، برخی از فضایل اخلاقی خاصی را در فرد ایجاد می‌کند؛ از جمله این که توجه منتظر به حضور در محضر امام و مولای خود، سبب می‌شود صبر و استقامت در او پدید آید، یا اگر وجود دارد افزایش یابد. از این رو سختی‌هایی که در مسیر زندگی برای او ایجاد می‌شود، به دلیل احساس همراهی با امام خود، برای او تحمل پذیرتر می‌شود.

این سختی‌ها گاهی در مسیر معنوی او رخ می‌دهد؛ سختی‌هایی که در مسیر کمال اخلاقی و معنوی باید تحمل کرد، گاهی سختی‌ها و مشکلاتی است که در حیات دنیوی برای او پیش می‌آید و گاهی سختی‌هایی است که به سبب دین‌داری او از جانب دشمنان بر منتظران تحمیل می‌شود، چنان که در طول تاریخ تشیع، شیعیان با اتکای به این باور که امام زمان به آن‌ها علم دارد و ناظر دردها و مشکلات آنان است، تمام مظلومیت‌ها را تحمل کرده‌اند و با استقامت و پایداری، مسیر خود را در همه حوادث تلخ و ناگواری که دشمنان برای آنان رقم زده‌اند، ادامه داده‌اند. از این رو توجه به علم امام سبب می‌شود منتظران با توکل بر خداوند و توسل به امام خود، با صبر و استقامت

وصف‌ناشدنی، حیات دینی و اجتماعی خود را ادامه دهند.

از سوی دیگر، توجه به همراهی با امام عصر احساس تنهایی را در منتظران از بین می‌برد و مانع حیرت و سرگشتگی منتظران می‌شود. لذا اگرچه در زمان غیبت، از حضور ظاهری امام معصوم محروم‌اند، اما توجه به این‌که امام ناظر آن‌هاست و لحظه‌لحظه حیات آن‌ها در منظر امامشان است، سبب دلگرمی و مانع حیرت و سرگشتگی خواهد بود.

(د) امام جایگاه علم الهی

ممکن است کسی تصور کند آن‌چه درباره علم امامان معصوم و ناظر بودن آن‌ها بر اعمال انسان‌ها گفته شد، در عرض علم الهی قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که همین حقایق درباره علم خداوند وجود دارد. خداوند عالم به نهان و آشکار است و ذره‌ای در آسمان و زمین از حیطة علم او خارج نیست (یونس: ۶۲) و هر چه در عالم انجام می‌گیرد می‌بیند (علق: ۱۴) و همین توجه به علم خداوند، بازدارنده انسان از بدی‌ها و سوق دهنده او به خوبی‌ها خواهد بود.

اما باید توجه داشت اولاً تعدد شاهدان و ناظران اعمال مورد تأکید آیات و روایات است و علاوه بر خداوند متعال و پیامبران و ائمه اطهار _ که بر اساس مباحث پیشین، ناظر بر اعمال و شاهد روز قیامت خواهند بود _ فرشتگان نیز ناظر بر اعمال و شاهد روز قیامت‌اند (انفطار: ۱۰ - ۱۲). همچنین اعضا و جوارح انسان (فصلت: ۲۰ و ۲۱؛ نور: ۲۴)، زمین (زلزال: ۲-۵) و زمان (آل عمران: ۱۴۰) نیز از شاهدان و گواهان روز قیامت به شمار می‌آیند. این تعدد شاهدان، انسان را در اعمالش دقیق‌تر و او را از غفلت دورتر می‌سازد.

ثانیاً هیچ‌گاه علم امام، در عرض علم الهی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ائمه اطهار جایگاه علم الهی به شمار می‌آیند و به تعبیر روایات فراوانی که در این‌باره آمده است، ائمه خزّان علم الهی محسوب می‌شوند (نک: صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۶، ۱۰۵):

نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ؛ (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۰۵)

ما سرپرستان امر خداوند و خزانه‌داران علم الهی هستیم.

بر همین اساس در زیارات، آنان را «خزّان العلم» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۶۱۰) معرفی می‌کنیم. از این‌رو، ائمه اطهار در نگاه شیعیان، جایگاه علم الهی هستند و نمی‌توان علم آن‌ها و شاهد و ناظر بودنشان بر اعمال عباد را در عرض علم خداوند به شمار آورد.

۴. اعتقاد به حضور امام

از جمله باورهای عمیقی که در بحث امامت باید مورد توجه قرار گیرد، معیّت وجودی امام معصوم با عالم است. بر اساس تعالیم دینی، امام با عالم معیّت وجودی دارد. در بخش پیشین، سخن بر سر علم امام به همه عوالم بود، اما منتظران در مرتبه بالاتری از شناخت نسبت به امام، به حضور وجودی او در همه عوالم معرفت می‌یابند. در این مرحله، امام معصوم را جدای از عالم و صرفاً عالم به آن نمی‌داند، بلکه حضور وجودی حضرت را در تار و پود عالم درک می‌کند.

البته تبیین و تحلیل معیّت وجودی امام معصوم با عالم، نیازمند نوشتاری مستقل است، اما اشاره‌وار می‌توان گفت در تحلیل دقیق علم امام به حضور او در عالم دست می‌یابیم، بدین معنا که پیامبر اکرم و ائمه اطهار شاهدان اعمال محسوب می‌شوند و شاهد اعمال بودن، بر حضور آنان در نزد انسان‌ها دلالت دارد. از این‌رو شهود اعمال، دلیل حضور شاهد خواهد بود.

در عرفان اسلامی از این حقیقت، با نام «سریان انسان کامل در عوالم» یاد می‌شود که این امر در سفر سوم از اسفار اربعه برای انسان کامل رخ می‌دهد (قیصری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۴۳) و بر اساس آن، هیچ حقیقتی از حیثه وجودی انسان کامل خارج نیست (آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۵۷).

تأثیر اعتقاد به حضور وجودی امام در اخلاق منتظران

اگر در بحث علم امام گفته شد توجه به علم امام سبب می‌شود منتظران با دقت کامل، اعمال، صفات و اندیشه‌های خود را از هر کجی و انحراف باز دارند، توجه به حضور خود امام که معرفتی عمیق‌تر به امام معصوم است، به طریق اولی، منتظران را از هر غفلتی باز می‌دارد؛ انسانی که امام و مولای خود را لحظه لحظه در کنار خود می‌داند و همه عالم را محضر او می‌بیند، کوچک‌ترین رفتار و گفتار خود را با تأمل و دقت انجام می‌دهد. البته مسئله مهم، رسیدن به این معرفت است. اگر امام زمان در پرده غیبت نبود و در عالم ظاهر در محضر او زندگی می‌کردیم، مواظبت ما بر گفتار و رفتارمان چگونه بود؟ حال کسی که به این معرفت برسد که همواره عمر خود را در محضر امام خود بداند، در مسیر تهذیب نفس و کمال اخلاقی کوچک‌ترین کوتاهی یا لغزشی را بر خود جایز نمی‌داند.

۵. رابطه محبت‌آمیز بین امام غایب و منتظران

توجه به یک ناظر، در اصلاح رفتارهای انسان بسیار مؤثر است و وقتی این نظارت، نظارتی کامل باشد، شامل درون و بیرون فرد گردد، نه تنها رفتارها بلکه صفات نفسانی فرد و اندیشه‌های او را نیز اصلاح می‌کند؛ اما آن‌چه میزان اثرگذاری این نظارت را بالا می‌برد، نوع ارتباطی است که فرد با ناظر دارد.

در نگاه مکتب رابطه شیعیان با امام معصوم رابطه‌ای حُبّی است؛ رابطه‌ای که بر اساس دستور خداوند در آیات قرآن کریم، شکل گرفته است:

«لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ». (شوری: ۲۳)

روایات بسیاری نیز از اهل سنت (نک: سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ۷) و شیعه (نک: بحرانی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۸۱۵)، در این باره به چشم می‌خورد که محبت اهل بیت را به عنوان یکی از مسائل اساسی اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد، تا جایی که در برخی روایات، در تأیید محبت شیعیان به امامان معصوم می‌فرماید:

وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۶۳؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۶۷)

الف) تربیت اخلاقی براساس محبت

حکمت تأکیدات فراوان دین اسلام بر محبت به اولیای الهی را باید در دو امر کلی جست‌وجو کرد (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۲)؛ اولاً این ارادت و محبت، زمینه‌ساز پیوند دادن مسلمانان به ائمه اطهار است تا ولایت دینی و زعامت اجتماعی آن‌ها زمینه اجرا پیدا کند و به دیگر سخن، ولای محبت، مقدمه و وسیله‌ای برای ولای امامت و ولای زعامت است. ثانیاً محبت به اولیای الهی، عاملی بسیار ارزنده در تربیت نفوس و تزکیه روح انسان به شمار می‌آید که موضوع بحث ما در همین امر است. وقتی رابطه منتظران حضرت مهدی با امام غایبشان رابطه‌ای بر اساس اوج محبت و مودت پایه‌ریزی شده باشد، به طور ناخودآگاه، سبب تربیت اخلاقی منتظران می‌شود.

محبت و مودت چنین ذوات مبارکی، مایه تربیت نفوس، تخلق به خلق الهی و اتصاف به صفات کریمه آن‌هاست و از سوی خداوند والا بر هر مؤمنی واجب گردیده است. این محبت و مودت نه امری تشریفاتی، که از اصول دین و سرمایه‌های رسمی آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۷).

نتیجه محبت و عشق به یک فرد، تبعیت و هم‌رنگی با اوست. از این‌رو محبت و عشق، اطاعت‌آور است و عاشق، ناخودآگاه هم‌رنگ با معشوق خود می‌شود و نه تنها در رفتارهای بیرونی، بلکه نوع گرایش‌ها و خواست‌های او نیز با گرایش‌ها و خواست‌های معشوق، همراه می‌گردد. بدین‌رو اگر این محبت و عشق به اولیای الهی و انسان‌ها کامل باشد، فرد را به سمت کمال و تعالی سوق می‌دهد و او را هم‌رنگ و همراه با اولیای الهی قرار می‌دهد. به تعبیر شهید مطهری، محبت به سوی مشابهت و مشاکلت می‌راند و قدرت آن سبب می‌شود که محب به شکل محبوب درآید (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ۲۶۴).

(ب) محبت بهترین راه تهذیب نفس

یکی از اساسی‌ترین امور برای تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی، اراده و همت است که اگر این اراده و همت قوی باشد، فرد در سیر و سلوک خود موفق است و هر اندازه این اراده ضعف یابد، سیر و سلوک سست می‌شود. اما مهم‌ترین عاملی که اراده فرد را استوار می‌سازد محبت و عشق است؛ اکسیر محبت، رخوت و سستی را از اراده انسانی می‌زداید و عزم را راسخ و همت را نیرومند می‌سازد (همو: ۲۶۷ - ۲۶۸). بر همین اساس اگرچه برای اصلاح اخلاق و تهذیب نفس، راه‌های گوناگونی پدید آمده است، اما بهترین راه سیر و سلوک معنوی و تهذیب نفس، راه محبت و عشق است. شهید مطهری در مقایسه راه عشق و محبت با دیگر راه‌ها و در تحلیل تأثیر محبت اولیای الهی و ائمه اطهار می‌فرماید:

اگر انسان بخواهد با تکیه بر تفکر و تذکر و محاسبه‌ی نفس و مراقبه و غیره، اخلاق سوء را یک‌یک با سر انگشت فکر و حساب از خود بزاید و خود را اصلاح نماید، البته عملی است؛ اما مثل همان است که انسان بخواهد براده‌های آهن را یک‌یک جمع کند. ولی اگر انسان این توفیق را پیدا کند که کاملاً پیدا بشود و او شیفته آن کامل گردد، می‌بیند کاری که او در ظرف چند سال انجام می‌داد این در ظرف یک روز انجام می‌دهد. (همو: ج ۲۲، ۷۷۴)

با این توضیحات روشن می‌شود که در زمان غیبت حضرت مهدی اگرچه برای منتظران امکان حضور ظاهری در محضر ایشان وجود ندارد، اما محبت و عشق به ایشان _ که اساس رابطه‌ی شیعیان با امامشان محسوب می‌شود _ اکسیری است در تهذیب نفس منتظران و بهترین و اثرگذارترین راه در زمینه اخلاقی ساختن فرد و جامعه منتظران به شمار می‌آید.

نتیجه

منتظران امام زمان در عصر غیبت، افزون بر بهره‌مندی از عنایت امام زمان و بهره‌گیری از علمای راستین، می‌توانند با استمداد از مجموعه‌ای از باورهای عمیق در باب امامت، خود را از غفلت‌ها و انحرافات زمانه غیبت مصون سازند و زمینه تکامل معنوی و اخلاقی خود را فراهم سازند و بدین وسیله زمینه‌ساز ظهور امام غایب خود گردند. در این نوشتار این باورها را در چند محور بررسی کردیم.

نخستین باور مؤثر در سوق دادن منتظران به سوی مکارم اخلاقی، اعتقاد به وجود امام زمان است؛ معرفت به وجود امام، سبب ایجاد گرایش درونی به حضرت می‌شود و زمینه‌ساز همراهی و همسویی منتظران با ایشان می‌گردد. باور دیگری که در مسیر کمال معنوی، منتظران را یاری می‌دهد، اعتقاد به ظهور حضرت است؛ انتظار ظهور امام مهدی موجب می‌شود فرد منتظر، از یک طرف با ایجاد صفات اخلاقی، در به دست آوردن ویژگی‌های یاوران آن حضرت بکوشد و از سوی دیگر، در هر زمانه خود را برای ظهور ناگهانی ایشان آماده سازد و نیز برای تحقق ظهوری که

انتظار آن را می‌کشد زمینه‌سازی کند.

اعتقاد به علم فراگیر امام نیز از مهم‌ترین عوامل مؤثر در دوری انسان منتظر از رذایل و حرکت او به سمت فضایل است. کسی که همواره خود را در منظر امام می‌داند، برای سیر معنوی، انگیزه‌ای قوی پیدا می‌کند و ظاهر و باطن خود را از هر آن‌چه او را از چشم امام می‌اندازد دور می‌سازد. البته با تحلیل دقیق علم فراگیر امام، به حضور وجودی او در عالم می‌رسیم. منتظران با دستیابی به این درک عمیق از امام، نه تنها امام را عالم به خود می‌دانند، بلکه هر لحظه خود را در محضر او می‌بینند.

ارادت و محبت منتظران به امام رئوف خود نیز از مؤثرترین عوامل در تربیت نفوس و تزکیه روح آن‌ها به شمار می‌آید. فرد منتظر با اکسیر عشق به امام خود، جان و روح خود را درپرتو شعاع نورانی او قرار می‌دهد؛ با حرارت عشق، آلودگی‌های خویش را می‌سوزاند و با آب حیات‌بخش آن، گلستان وجود خود را بارور می‌سازد. بر اساس آن‌چه در این نوشتار آمد، روشن شد اگرچه شرایط موجود در عصر غیبت امام معصوم جامعه و فرد را به سمت حیرت و گمراهی سوق می‌دهد و در وادی غفلت گرفتار می‌سازد، اما بارور ساختن مجموعه باورهای شیعیان نسبت به امام می‌تواند در زمان غیبت نه تنها انحراف، حیرت و غفلت را از منتظران بزدايد، بلکه می‌تواند آن‌ها را در سیر معنوی و تزکیه اخلاقی، تا بالاترین درجات دستگیری نماید. از این‌رو از جمله بهترین راهکارها برای سوق دادن منتظران به سمت کمالات اخلاقی و مراتب و مقامات معنوی، تعمیق مجموعه‌ای از باورهای آن‌ها نسبت به امام زمان است. بنابراین بر فرد منتظر و جامعه منتظران ضروری است با بارور ساختن این باورها، فضایل اخلاقی را در جامعه شیعی گسترش داده و زمینه ظهور را فراهم سازند.

منابع

- _ اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- _ آشتیانی، سید جلال‌الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.
- _ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- _ برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- _ جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی ۴ موجود موعود، تحقیق و تنظیم: سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
- _ تسنیم، تنظیم: احمد قدسی، ویرایش: علی اسلامی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- _ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، اول، ۱۴۰۹ق.
- _ حیدری، سید کمال، علم الامام، به قلم: علی حمود عبادی، قم، دار فراق، ۱۴۲۹ق.
- _ سجستانی (ابی داود)، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق: خلیل مأمون شبعا، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۲ق.
- _ سیوطی، جلال‌الدین، در المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- _ شفیعی سروستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان ۴ و تکلیف منتظران، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۷ش.
- _ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.

- من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر غفاری، قم، مؤسسه انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، قم، انتشارات كتابخانه آيتالله مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، سيد محمدحسین، بررسی‌های اسلامي، به كوشش: سيدهادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان كتاب، ۱۳۷۸ش.
- الميزان فی تفسیرالقرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي دفتر تبليغات اسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج علي اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الغيبة، تحقيق: عبادالله تهرانی و علي احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، قم، اول، ۱۴۱۱ق _ الف.
- مصباح المتهدد و سلاح المتعبد، مقدمه: علي اصغر مرواريد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق _ ب.
- عروسی حویزی، عبدعلي بن جمعه، تفسير نور الثقلين، قم، انتشارات اسماعيليان، تحقيق: سيد هاشم رسولي محلاتي، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، كتاب التفسیر، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران، چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ق.
- فقيه ایمانی، مهدي، الامام المهدي عند اهل السنة، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين علي ۷، ۱۴۰۲ق.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، تحقيق: خليل مأمون شبجا، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۹ق.
- قمی، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، تحقيق: سيدطيب موسوی جزایری، قم، دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
- قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم، تحقيق: حسن حسنزاده آملی، قم، بوستان كتاب، ۱۳۸۲ش.
- کوفی (ابن عقده)، احمد بن محمد، فضائل امير المؤمنين ۷، تحقيق: حرزالدین عبدالرزاق محمد حسین، قم، نشر دليل ما، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- کفعمی، ابراهيم بن علي عاملی، البلد الامين و الدرع الحصين، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- کلینی، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مدرسی، سيد محمدرضا، فلسفه اخلاق، تهران، سروش، ۱۳۷۱ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقيق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛، ۱۳۸۸ش _ الف.
- حقوق و سیاست در قرآن، نگارش: محمد شهرابی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛، ۱۳۸۹ش.
- نظریه حقوقی اسلام، تحقيق و نگارش: محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛، ۱۳۸۸ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.

– مغربی (ابن حیون)، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تصحیح: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.

– مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: لجنة من العلماء، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.

– مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

– نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلام، چاپ اول، ۱۳۹۵ق.

– هاشم العمیدی، سید ثامر، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علی زاده، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛، ۱۳۸۶ش.

کد مطلب: ۸۰۴

آدرس مطلب :

<http://www.ayandehroshan.ir/news/804/> نقش-معرفت-امام-زمان-تعالی-اخلاقی-منتظران-زمینه-سازی-ظهور

آینده روشن <http://www.ayandehroshan.ir>